

بسمه تعالی



دانشگاه خوارزمی

daneshgahnews.com

اصل مداخله و حاکمیت کشورها

دکتر علیرضا امینی

مداخله:

فعالیت انجام شده بوسیله یک کشور یا یک گروه در داخل کشور یا گروهی از کشورها یا یک سازمان بین المللی با استفاده از زور در امور داخلی کشورهای دیگر (وینسنت).

مداخله بشر دوستانه :

استفاده از زور علیه دولت دیگر به منظور حمایت از جان و آزادی اتباع خود یا اتباع دولت ثالث در مقابل رفتار غیرانسانی.

مشروعیت مداخله از نوع مداخله بشر دوستانه

۱- دوره قبل از منشور : محدودیت های استفاده از زور ناچیز بوده.

۲- دوره بعد از منشور (بعد از سال ۱۹۴۵) : هر گونه تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی، جز در دفاع از خود طبق ماده ۵۱ منشور، یا در اجرای اقدامات قهری طبق فصل هفتم منشور در موارد تهدید صلح، نقض صلح و عمل تجاوز منع کرده، نهاد عدم مداخله بشر دوستانه، در تعارض کامل با اصل توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور است.

۳- تغییر مداخله بشر دوستانه بر پایه ماده ۵۱ منشور: تهدید، صدمه و رفتار غیرانسانی به اتباع خود را، حمله به آن دولت تلقی میکند اما ماده ۵۱ منشور صراحت دارد که دفاع از خود، در حمله مسلحانه، علیه یک دولت مدنظر بوده است.

۴- مداخله بشر دوستانه در زمان جنگ سرد: چهارچوب دولت محور(اصل حاکمیت) مقدم بر چارچوب جامعه محور (اصل مداخله) می باشد.

۵- بین المللی شدن حقوق بشر در فرایند (بعد از جنگ سرد).

حاکمیت :

۱- بعد از معاهده‌ و استفالیا و ایجاد یک رابطه‌ حقوقی و سیاسی بین دولتها تعهدات کشورها در چهارچوب مناسبات و استفالی شکل گرفت.

۲- حاکمیت نمادی از اقتدار و مشروعیت سیاسی دولتها.

مفهوم مداخله در نظریه‌ واقع گرایی

۱- قداست حاکمیت سرزمینی بطوریکه (در زمان جنگ سرد تفسیر مضیق از مداخله بشر دوستانه ارائه شد).

۲- مداخله بشر دوستانه (سوء استفاده‌ ضعیف علیه قوی).

۳- رابطه‌ مداخله و منافع ملی : مداخله ناتو در کوزر ← چرا چنین مداخله ای در مورد کردهای ترکیه ، چین ها و مردم تیمور شرقی رعایت نشده.

۴- عقلانیت محاسبه‌گری مانع مداخله بشر دوستانه می‌شود.

۵- استقلال سیاسی به هر قیمت.

مداخله در نظریه لیبرالیسم

۱- لیبرالیستها کلاسیک : دغدغه آزادی انسانها را دارند منشأ حاکمیتی را **ملت** می‌دانند پس مداخله بشر دوستانه را به سطح افراد جامعه تقلیل می‌دهند.

۲- رویکرد لیبرالی به **حوزه انسانی حاکمیت** دولتها توجه دارند.

۳- آنها به نقش نهادها و سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی و ابزارهای دیپلماتیک و نظامی و اقتصادی برای لیبرالیزه کردن دولتها در راستای مداخله بشر دوستانه بسیار اعتقاد دارند.

۴- لیبرالیسم در تمامی اشکال آن کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، همگرایی، رژیم های بین المللی و نهادگرایی لیبرال و نهادگرایی نئولیبرال تعریف جدیدی از مداخله بشر دوستانه و حاکمیت دارند (یعنی هنجاری شدن مداخله بشردوستانه و حاکمیت خوب).

مداخله بشردوستانه در نظریه سازه انگاری

- ۱- کانون بحث از معرفت شناختی به هستی شناختی منقل شد. (مداخله بشردوستانه).
- ۲- یک نوع هستی شناختی رابطه ای : نگاه ارتباطی مبتنی بر کانون ایده ها و تصورات که بر مبناء فرهنگ و هنجارها شکل می گیرد به هستی شناختی تجربی منتقل میشود.
- ۳- با رویکرد لیبرالی منبعث از قدرت و هنجار که در پایان جنگ سرد تقویت شده به یک سازه اجتماعی تبدیل و ساختار ذهنی و هنجاری با سوژه انسانی ممزوج شده.

۴- مداخله بشر دوستانه به سمت هنجار کشانده شده و دولتها در پذیرش این هنجار هویت خود را به عنوان عضو جامعه بین المللی شکل می دهند و این هویت ، منافع را شکل می دهد و این هنجار ساخت شده در تلقی بازیگران به گونه ای تعریف می شود که با مداخله بشر دوستانه موافق و آن را رعایت می کنند.

۵- سازه انگاری می گوید مداخله بشر دوستانه تعریف جدیدی از حاکمیت را ساخته است. در واقع بنا به شرایط ، این سوژه اجتماعی است که مفاهیمی مثل حاکمیت و مداخله را بر می سازد پس سازه انگاری ادعا می کند با بر ساخته شدن هنجار مداخله بشر دوستانه، حاکمیت دوباره بر ساخته شده است و واقعیت عینی را بر اساس واقعیت ذهنی خود قرار داده است.

۶- مفهوم مداخله بشر دوستانه در این رهیافت در مطالعات گفتمانی شکل گرفته که می توان به رابطه شناخت و قدرت و هم به ساختار دلالت ها که مردم از معنای چیزهایی که عمدتاً به صورت نشانه هایی از دیالکتیک گفتمانی ساطع میشود آنرا بر میسازند (بعد گفتمانی اصل مداخله بشر دوستانه و حاکمیت دولتها) ← این گفتمان با تولد خود زمینه ذهنی مداخلات بشر دوستانه محیا و تعریف جدیدی از حاکمیت داشتن را بوجود می آورد که این موضوع را می توان در امنیت انسانی و تفسیر بند چهارم ماده ۲ منشور و ماده ۵۱ منشور ملل متحد ← در قالب اصل حاکمیت و دفاع مشروع بیان کرد مثل مداخله ترکیه در قبرس.

منشور سازمان ملل و حاکمیت دولتها

۱- بند یک ماده ۲ منشور (اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضا)

۲- بند ۷ ماده ۲ منشور : عدم مداخله اعضا در صلاحیت داخلی کشورها و حتی موضوعات داخلی کشورها را ملزم در تابع شدن مقررات منشور نمی داند.

منشور سازمان ملل و اصل مداخله با نقش شورای امنیت

۱- حق توی اعضا دائم (ماده ۲۴) : واگذاری مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین الملل به شورای امنیت داده است .

۲- بر اساس بند ۳ ماده ۲۷: مداخله از طریق تصمیمات شورای امنیت در رابطه با انواع مسائل با رأی مثبت ۹ عضو که شامل آرای تمام اعضا دائم باشد مجاز می شمارد .

۳- بر مبنای ماده ۳۹ منشور: وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را اگر احراز کند توصیه یا تصمیم خواهد گرفت.

۴- ماده ۲۹ منشور: مقرر می دارد که هرگونه ارکان فرعی را در جهت انجام وظایف این شورا می تواند تأسیس کند.

۵- برابر ماده ۲۵ منشور: تصمیمات شورا در چهارچوب فصل هفتم لازم الاجرا ، غیرقابل اعتراض و غیرقابل تجدید نظر است.

۶- بند ۷ ماده ۲ منشور : بعد داخلی حاکمیت را تابعی از مقوله صلح و امنیت بین المللی دانسته که تشخیص آن بر عهده شورای امنیت است.

تداخل در حاکمیت و مداخله با نگاهی بر بند ۷ ماده ۲ منشور

- ۱- عدم ارائه تعریفی دقیق و عدم تعیین مصداق در صلاحیت ذاتی کشورها.
- ۲- عدم تعریف در مصداق در امنیت بین المللی و همچنین احراز نقض و تهدید و تجاوز.
- ۳- ملزم نبودن شورای امنیت به رعایت حقوق بین الملل و عدم امکان نظارت و کنترل بر آن.
- ۴- اراده انحصاری اعضاء دائم شورا.

انواع مداخله و ورود در صلاحیت داخلی حاکمیتها

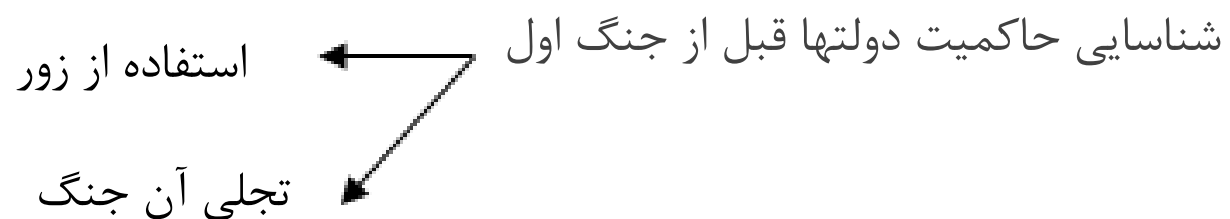
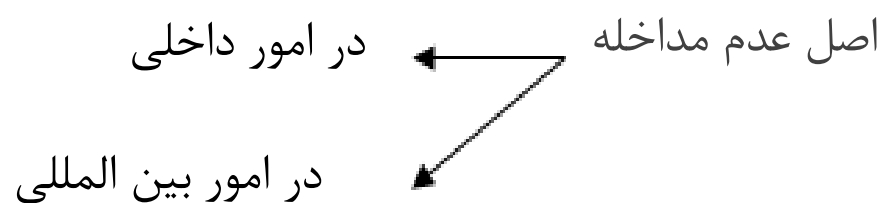
۱- از طریق صلاحیت در قانونگذاری : مداخله در صلاحیت قانونگذاری کشورها از طریق گسترش نظام حقوق بین الملل و تدوین کنوانسیونها و قطعنامه ها و همچنین سازمانهای بین المللی، مثل کار ، ناتو، یونسکو، صندوق بین المللی پول و ... و یا تشکیل اتحادیه ها.

۲- از طریق نفوذ صلاحیت در حوزه قضایی : به دنبال کنفرانسهای دهه ۱۹۰۷ و ۱۹۰۹ و فعال شدن نهاد بین المللی داوری تا تشکیل دیوان دائمی بین المللی دادگستری در ۱۹۱۹، صلاحیت قضایی دولتها به صورت مطلق و سرزمینی اعمال می شد و مراجعه به این نهادها اختیاری بوده درباره دیوان بین المللی دادگستری هم همین طور بوده . اولین تلاش و تجربه در محاکم نورنبرگ و توکیو در تشکیل محاکم غیرملی صورت گرفته و با تشکیل دیوان کیفری بین المللی، اگرچه اعمال صلاحیت دیوان اختیاری بوده است ولی صلاحیت ذاتی آن حق تعقیب متهم ، بدون رضایت دولتها را به دنبال داشته ، اگرچه صلاحیت دیوان کیفری از نوع صلاحیت تکمیلی است ولی تشخیص نبود یک سیستم حقوقی کارآمد و احراز توسط شورای امنیت که آن خود در شرایط ملاحظات سیاسی قرار دارد.

۳- **نفوذ در صلاحیت اجرایی** : کاهش تصمیمات بر اساس اراده دولت‌ها و پذیرش در مداخله . مثال : اتحاد قدرتها حتی پس از انحلال اتحاد مقدس تا نظام کنفرانسها به تدریج موجب پیدایش اتحادیه های بین المللی خصوصی و دولتی شد . مثل کمیته بین المللی صلیب سرخ در ۱۸۶۳ تا کمیته بین المجالس ۱۸۸۹ ، ظهور انقلاب صنعتی تا تأسیس جامعه ملل ** و از نهاد سازمان ملل گرفته تا ارتقاء همکاریهای بین المللی در راستای تشکیل سازمانهای منطقه ای و فرامنطقه ای به عنوان مثال اوپک را می توان ذکر کرد که این روند در نهایت فرایند محدود کردن حوزه صلاحیت فردی دولت‌ها را با افزایش محدودیت حاکمیت دولت‌ها و با پذیرش مداخله در صلاحیتشان دنبال میکند.

تجلی حاکمیت با دو اصل ← اصل تساوی حاکمیت
← اصل عدم مداخله

اصل عدم مداخله از تساوی حاکمیت ناشی می شود.



حاکمیت ← بعد خارجی آن طبق منشور تحدید شده و حاکمیت مطلق آن یعنی کاربرد استفاده از زور را خدشه دار نموده

بعد داخلی آن طبق منشور هنوز بر حاکمیت تاکید دارد مثل حق داشتن انرژی صلح آمیز هسته ای

حاکمت در امور داخلی را که جزو صلاحیت ذاتی کشورها محسوب می شود بر اساس فصل

هفتم منشور که **با صراحت** به مداخله در امور داخلی کشورها تمرکز دارد ، خدشه دار کرد.

حقوق بشر : مواد ۵۵ و ۵۶ منشور در مورد حقوق بشر که بدوا جنبه دستیابی به همکاری را داشته و کمیسیون حقوق بشر وارد موضوعات داخلی کشورها نمیشد.

۲ حوزه در ابتدا
به عنوان محدودیت
در حاکمیت

کنترل تسلیحات : هیچ دستاوردی تا بعد از جنگ دوم نداشت و بعد از جنگ دوم هم کشورهای عضو دائم حاضر نشدند که از انحصارشان به سلاح هسته ای دست بردارند.

تحولات در مداخله و اصل حاکمیت

۱- استعمار زدایی : با این پدیده ، کمیسیون حقوق بشر وارد مصادیق نقض حقوق بشر در کشورهای جهان سوم و حوزه های استعماری می شود و در سال ۱۹۹۳ در کنفرانس جهانی حقوق بشر ، همه کشورهای می پذیرند که حقوق بشر و موارد نقض آن از موضوعات نگران کننده جامعه بین الملل می باشد.

۲- در دهه ۹۰ با توجه به درگیری های داخلی در آفریقا و جنگ در بالکان به مصونیت حاکمیت خدشه وارد شده.

با پایان جنگ سرد و اوج گیری درگیریهای هویتی شورای امنیت به مسائل مختلف وارد می شود که مجدداً تئوری مداخله بشردوستانه را روی کار می آورد و کشورها را وارد حوزه مقررات بین المللی مداخله جویانه در زمینه خلع سلاح می کند مصادیق آن معاهده منع گسترش سلاح هسته ای (NPT) و سپس قرارداد پادمانها و قرارداد ۹۳+۲ می باشد، که مرحله به مرحله میزان مداخله جویی در حوزه تسلیحات، //درهای کشورها را به روی بازرسان بین المللی باز کرد.

۳- بازرسی های سرزده و چالش هایی که کنوانسیونهای سی تی بی تی (کنوانسیون منع جامع آزمایش های هسته ای) و کنوانسیون منع تولید و استفاده از سلاح شیمیایی، محدودیت حاکمیت کشورها را بیشتر کرد.

۴- بعد از ۱۱ سپتامبر قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت بوده که یک تعهد عمومی در زمینه مبارزه با تروریسم بر کشورهای عضو ایجاد کرده دیگر در اینجا شرایط قبول و امضاء معاهدات در زمینه کنترل تسلیحات و حقوق بشر مطرح نبوده ، به طوری که تعهدی که به واسطه قطعنامه ۱۳۷۳ بعد از ۱۱ سپتامبر بر عهده کشورهای گذاشته شده ، راه برای مداخله و تحدید هرچه بیشتر صلاحیت در حاکمیت داخلی را باز گذاشته است.

بازتعریف مداخله بشردوستانه و حاکمیت کشورها بر مبنای تحلیل امنیت انسانی

۱- وارد شدن فرد به موضوعات بین المللی یک تحول جدی است که بحث مسئولیت فردی را به میدان می کشاند.

۲- خارج شدن خشونت سازمان یافته از انحصار دولتها در ۱۱ سپتامبر یک نمونه بارز در شیفت کردن سطح تحلیل است.

۳- امروزه بحث داغ آکادمیکی در زمینه **تروریسم هسته ای** ، شرایط را بیشتر متوجه این سمت کرده.

۴- در **آخر امنیت انسانی** یکی از شاخصه های مهم حاکمیتی برای دولت‌ها تعریف می شود که نقش هنجاری مداخله بشردوستانه را تقویت می کند.

تحول در حاکمیت ، نقض حاکمیت نیست(نتیجه ای که معتقدم اما و اگر با ملاحظات سیاسی دول معظم این ره به بیراهه نکشد)

۱- **افزایش تعهدات دولت‌ها**: همواره به عنوان افزایش مسئولیت پذیری نیست.

۲- **افزایش مسئولیت پذیری**: تضمین حاکمیت است نه تهدید آن، خصوصاً برای دولت‌های ضعیف.

۳- **نقش گسترده سازمان‌های بین المللی** : برای کمک به پایدار ماندن حاکمیت ها است نه تضعیف آنها.

۴- **مداخله بشر دوستانه** : سازوکاری مطمئن در جهت حفظ حاکمیت دولت‌ها است.

۵- **مسأله مشروعیت** : کالای مشروعیت را قدرتهای بزرگ با قدرتشان معامله می کنند و این خود

میتواند در جهت حفظ حاکمیت کشورهای ضعیف باشد.